

تأثیر متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی در کشورهای منتخب در حال توسعه

علی مفتخری^۱، فاطمه مفتخری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۸)

چکیده

هدف: فقر چندبعدی نشان‌دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند. فقر یکی از مشکلات اساسی جوامع در حال توسعه و نشانه بارز عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را در اقشار جامعه به خطر می‌اندازد. بر همین اساس هدف این پژوهش بررسی نحوه تأثیر متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی در کشورهای منتخب در حال توسعه است.

روش: پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تأثیر متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه را در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۲ مورد ارزیابی قرار دهد.

یافته‌ها: بر مبنای روش پژوهش و مطابق با مبانی نظری نتایج نشان می‌دهد کنترل فساد، بهداشت و سلامت عمومی و رفاه اجتماعی اثری منفی بر فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه داشته است. همچنین وقفه اول فقر چندبعدی دارای اثری مثبت بر فقر چندبعدی بوده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه و نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد، هر کدام از متغیرهای موجود در این پژوهش تأثیری متفاوت بر فقر چندبعدی در جوامع در حال توسعه دارد که برخی سبب کاهش و برخی سبب تشدید آن می‌شود. با توجه به تأثیر رفاه اجتماعی، کنترل فساد و بهداشت و سلامت عمومی بر کاهش فقر چندبعدی، لازم است اصلاحات نهادی لازم برای بهبود کیفیت رفاه اجتماعی، ارتقای شفافیت و بهبود عوامل تقویت ثبات سیاسی و کنترل فساد و افزایش سطح کیفی بهداشت و سلامت عمومی در حوزه‌های مختلف صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: متغیرهای نهادی، فقر چندبعدی، مدل پانل دیتا، کشورهای در حال توسعه.

۱. دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، لرستان، ایران. (نویسنده مسئول)
alimoftakhari66@gmail.com

۲. کارشناسی‌ارشد اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، لرستان، ایران.

نهادهای محدودیت‌هایی هستند که تعامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ساختار می‌دهند. آنها هم از محدودیت‌های غیررسمی و هم از قوانین رسمی تشکیل شده‌اند. نهادهای در طول تاریخ، برای ایجاد نظم و کاهش عدم اطمینان در مبادله توسط انسان‌ها ابداع شده‌اند. آنها همراه با محدودیت‌های استاندارد علم اقتصاد، مجموعه انتخاب را تعریف می‌کنند و بنابراین هزینه‌های مبادله، تولید و در نتیجه سودآوری و امکان‌پذیری درگیر شدن در فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کنند.

متغیرهای نهادی از جمله مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین موضوعات دنیای امروز هستند. توسعه‌یافتگی و حرکت به سمت توسعه یکی از مباحث اساسی جوامع مختلف دنیا است و جوامع توسعه‌نیافته به علت کمبود درآمد سرانه و عوامل بی‌شمار دیگر، گرفتار به اصطلاح دور باطل فقر می‌باشند (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۲). فقر یکی از مشکلات اساسی و نشانه بارز عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که ثبات سیاسی و سلامت روانی را در اقصای جامعه به خطر می‌اندازد (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۲). دولت‌ها می‌توانند بر اندازه و سطح فقر در ابعاد مختلف تأثیر بگذارند. این موضوع به قدری دارای اهمیت است که افراد جوامع هدف، چشم‌انداز تحرک اقتصادی خود و پیامدهای سیاسی آینده را امروز در نظر می‌گیرند (اورتگا^۱، ۲۰۰۹). اجماع گسترده‌ای وجود دارد که فقر و محرومیت، چندبعدی است. تنها نگاه کردن به فقر از جنبه درآمد کافی نیست. در واقع در بررسی فقر باید به ویژگی‌های دیگر هم نگاه کرد. همان‌طور که سن^۲ گفته است، «نقش درآمد و ثروت» باید در یک تصویر گسترده‌تر و کامل‌تر از موفقیت و محرومیت ادغام شود (اتکینسون^۳، ۲۰۰۳). متغیرهای نهادی تأثیر غیرقابل انکاری بر فقر چندبعدی خانوارها دارد. از طرفی فقر چندبعدی، سبب کاهش سرمایه اجتماعی و ایجاد معضلات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی در جوامع مختلف می‌شود. اگرچه فقر، همه گروه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما به‌طور حادتری بر افرادی که دسترسی به منابع محدودتری دارند، تأثیر بیشتری می‌گذارد و این به هیچ منطقه جغرافیایی، سطح درآمد یا گروه سنی محدود نمی‌شود. البته که این فقر در جوامع در حال توسعه بیشتر به چشم می‌آید (شیائو و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

1. Ortega
2. Sen
3. Atkinson
4. Xiao et al

بررسی نتایج اثرات متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی در این کشورها می‌تواند راهکار مناسبی در رفع و یا اصلاح معضلات ناشی از این پدیده مهم ارائه نموده و با ایجاد سازوکار مناسب و برنامه منسجم از هدر رفت سرمایه در این حوزه جلوگیری به عمل آورد؛ بنابراین در بخش اول مقدمه‌ای در مورد هدف اصلی این پژوهش که بررسی اثرات متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه است، بیان می‌شود. بخش دوم، مبانی نظری و تشریح متغیرهای نهادی و در بخش سوم پیشینه تحقیق ارائه می‌شود. سپس در بخش چهارم به معرفی الگو، تشریح متغیرها و داده‌ها، پرداخته شده و در بخش پنجم تخمین الگو و تجزیه و تحلیل آماری ضرایب ارائه و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان خواهد شد.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

۲-۱-۱. متغیرهای نهادی

بر اساس تعریف نورث^۱ (۱۹۹۰) نهادها قواعد بازی در جامعه هستند. از نظر ویلیامسون^۲ نهادهای مؤثر مزایای راه‌حل‌های مشارکتی یا هزینه‌های مختلف را برای استفاده از اصطلاحات نظری بازی افزایش می‌دهند. از نظر هزینه مبادله، نهادها هزینه‌های مبادله و تولید را به ازای هر مبادله کاهش می‌دهند تا سود بالقوه حاصل از تجارت قابل تحقق باشد. نهادهای سیاسی و اقتصادی هر دو بخش‌های اساسی یک ماتریس نهادی مؤثر هستند. تمرکز عمده ادبیات نهادی درباره نهادها و هزینه‌های مبادله بر نهادها به‌عنوان راه‌حل‌های کارآمد برای مشکلات سازمان در چهارچوبی رقابتی بوده است. اولین اقتصادها به‌عنوان مبادلات محلی در یک روستا در نظر گرفته می‌شوند، به تدریج، تجارت فراتر از روستا گسترش می‌یابد، ابتدا به یک منطقه محدود، سپس از طریق مسیرهای کاروانی یا کشتیرانی خاص به مسافت‌های طولانی‌تر و در نهایت به بسیاری از نقاط جهان تسری می‌یابد. در هر مرحله، اقتصاد مستلزم افزایش تخصص و تقسیم کار و تکنولوژی مولدتر است. تجارت روستایی در مقیاس کوچک در یک شبکه اجتماعی متراکم از محدودیت‌های غیررسمی وجود دارد که تبادل محلی را تسهیل می‌کند و هزینه‌های مبادلات در این زمینه کم است. دولت‌ها به‌عنوان شخص سوم

1. North

2. Williamson

اجرای قرارداد و نهادهای رسمی وظیفه کاهش هزینه‌های مبادله و امکان‌پذیری مبادلات پیچیده‌تر را بر عهده دارند. از نظر نورث ناتوانی اکثر جوامع در بسط شیوه‌های کارآمد اجرا، علت رکود و اشتغال ناقص در این جوامع است که رفته‌رفته منجر به ایجاد فقر در همه ابعاد آن در جامعه می‌شود. در این جوامع غیبت نهادهای رسمی و دولت به‌عنوان شخص سوم اجرا، مبادله را به نهادهای غیررسمی واگذار می‌کند. در دهه‌های اخیر محققین فراوانی در بسط و گسترش دیدگاه نهادگرایی جدید^۱ نقش داشته و از نقش نهادها و تأثیرشان بر روند رشد و توسعه اقتصادی کشورها بحث کرده‌اند اما به‌طور اساسی اقتصاد نهادگرایی جدید برگرفته از دیدگاه‌های سه اقتصاددان نهادگرایی معاصر یعنی کوز^۲ (۱۹۳۷)، ویلیامسون (۱۹۸۵) و نورث (۱۹۹۰)، می‌باشد. در این سه دیدگاه، مفاهیمی همانند هزینه‌های معاملات، حقوق مالکیت، سیستم حقوقی، ساختارهای حکمرانی عوامل مهمی در شکل‌دهی به عملکرد اقتصادی کشورها هستند. با آنکه بحث‌های نظری در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی جوامع به‌ویژه بر فرایند رشد و توسعه آنها از دهه‌های قبل صورت پذیرفته است اما مباحث تجربی آن سابقه چندانی ندارد و تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد محققین به آزمون تجربی تأثیر نهادها بر متغیرهای اقتصاد پرداخته‌اند. این حوزه تحقیقی عرصه نو و جدید تحقیقی است که فضای گسترده‌ای برای تحقیق در آن وجود دارد (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۰).

۲-۱-۲. فقر چند بعدی

فقر، وضعیت کسی است که فاقد مقدار معمول یا قابل‌قبول اجتماعی از پول یا دارایی‌های مادی است. فقر زمانی به وجود می‌آید که مردم فاقد ابزاری برای برآوردن نیازهای اولیه خود باشند. در این زمینه، شناسایی افراد فقیر ابتدا مستلزم تعیین نیازهای اساسی است. افرادی که در نزدیکی مرز گرسنگی یا مرگ قرار می‌گیرند و یا افرادی که تغذیه، مسکن و لباسشان، اگرچه برای حفظ زندگی کافی است؛ اما در مقایسه با کل جمعیت از کیفیت و کمیت بسیار ضعیفی برخوردار است. تعریف فقر زمانی مشکل‌تر می‌شود که مفاهیم غیراقتصادی در بیان آن دخیل می‌شود. به‌عنوان مثال، فقر با عدم دسترسی بهداشت و سلامت عمومی، سطح پایین آموزش یا مهارت، ناتوانی یا عدم تمایل به کار، میزان بالای

۱. اصطلاح اقتصاد نهادگرایی جدید برای اولین بار توسط ویلیامسون (۱۹۷۵) برای تمایز آن با اقتصاد نهادگرایی قدیم به کار رفت. برعکس تلاش‌های اولیه‌ای که در نهادگرایی قدیم برای جایگزین شدن با تئوری نئوکلاسیک صورت گرفت، اقتصاد نهادگرایی جدید مبتنی بر تئوری‌های تغییر یافته و توسعه‌یافته نئوکلاسیکی است. عقلانیت ابزاری فرضی است که دیدگاه نهادهای آن را تغییر می‌دهد و این همان فرضی است که اقتصاد نئوکلاسیک را یک تئوری بدون نهاد و عاری از آن ساخته است.

رفتارهای مخرب و تنش‌زا که اغلب این ویژگی‌ها در رابطه با فقر وجود دارند. در ابتدا باید ابعاد مختلف فقر را تحلیلی دقیق نمود تا تأثیرات آن بر روی جوامع مشخص شود. فردی که از نظر درآمد فقیر است اما از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده است، در یک محله از نظر اقتصادی متوسط زندگی می‌کند و دارای شغل و بیمه درمانی است، نسبت به فردی با همان سطح درآمدی، اما بدون مدرک، بدون بیمه درمانی و خانه‌ای در محله‌ای بسیار ضعیف از لحاظ اجتماعی، در معرض آسیب کمتری قرار دارد. صورت‌بندی غنی‌تر و چندبعدی از مشکلات فقر و محرومیت، می‌تواند به سیاست‌گذاری بهتری در این خصوص در جوامع هدف کمک کند (ریوز و همکاران^۱، ۲۰۱۶). به دلیل ماهیت چندبعدی فقر، ارائه تعریف جامع و دقیقی از فقر مشکل است؛ اما فقر چندبعدی نشان‌دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند. تانسن^۲ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اعتقاد داشت که افراد، خانوارها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند. آمارتیا سن^۳ در سال ۱۹۸۱ اشاره کرده است که فقر را می‌بایست به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفت و نه فقط پایین بودن درآمدها که ضابطه متعارف شناسایی فقر است. البته محرومیت، خود مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، تعاریف متفاوتی داشته باشد. وی با انتقاد از سایه سنگین درآمدمحوری بر فقر و نابرابری، رویکرد «قابلیتی»^۴ را به جای نگاه درآمدمحوری در تحلیل‌های اقتصادی ارائه کرد. در نتیجه محرومیت از قابلیت‌ها نیز یکی از ابعاد فقر و نبود استانداردهای لازم برای داشتن حداقل‌های یک زندگی خوب است؛ بنابراین چنانچه قابلیت استفاده از منابع در یک فرد وجود نداشته باشد و نتواند از این منابع استفاده کرده و آنها را به یک کارکرد تبدیل کند، مطلوبیتی از در اختیار داشتن آن منابع به دست نخواهد آورد و یک فرد فقیر تلقی می‌شود و این ایده آغازی برای رویکرد چندبعدی به مسئله فقر است (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۲). در این رویکرد، فقر به مثابه محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود که یکی از آنها درآمد است. می‌توان گفت که سن با ارائه نظریه قابلیت‌ها حیطه بررسی شرایط رفاهی افراد را گسترش داد زیرا پیش از او بررسی پدیده فقر تنها با رویکرد محدود درآمدی که در اصل برآمده از نظریه مطلوبیت بود، صورت می‌پذیرفت. امروزه این رویکرد توسط سازمان‌های بین‌المللی کاملاً پذیرفته شده

1. Reeves et al.
2. Townsend
3. Amartya Sen
4. Capability

است و مبنای به وجود آمدن شاخص‌های چندبعدی فقر قرار داده شده است. بر پایه همین دیدگاه، از سال ۱۹۹۰ فراتر از شاخص فقر، حتی درجه توسعه یافتگی کشورها بر پایه شاخص توسعه انسانی مبتنی بر سه قابلیت انسانی زندگی سالم و طولانی (امید به زندگی)، دسترسی به دانش و آگاهی (آموزش) و استاندارد زندگی (درآمد) مورد سنجش قرار می‌گیرد. آنچه که چشم‌انداز قابلیت‌ی در تحلیل فقر انجام می‌دهد این است که درک ما را از ماهیت و علل فقر و محرومیت گسترش می‌دهد. سیاست‌گذاری‌هایی که فقر درآمدی را هدف قرار می‌دهند، در تلاش‌اند تا فرد محروم را در آستانه‌ای بالاتر از خط فقر محاسبه شده قرار دهند که تحت این سیاست‌گذاری وضعیت رفاهی فرد امکان دارد در اثر شوک‌ها و نوسانات ناشی از مخاطرات گوناگون دستخوش تغییر شود و فرد در زیر خط فقر تعریف شده، قرار بگیرد؛ اما سیاست‌گذاری‌های معطوف به رویکرد قابلیت‌ی، هدف‌گذاری‌های بلندمدتی است که در اثر شوک‌ها و تکانه‌های گوناگون محرومیت فرد را به او باز نمی‌گرداند. توانایی افراد و خانوارها جهت خروج از وضعیت فقر به صورت پایدار از طریق ارتقاء آموزش و تحصیل فرد و خانوار، ارتقاء فرهنگ و شیوه‌های زندگی سالم و غیره ارتقاء داده می‌شود (سالم و همکاران، ۱۳۹۷). بوت و روانتری^۱ در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند که بین فقر مطلق و نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است و بنابراین بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است؛ بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. برای دستیابی به عمق نابرابری در توزیع درآمد (مصرف) بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درصد درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد. البته باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های مختلف تعریف می‌شود و طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۲). محرومیت به شکلی ساده معادل تعداد محرومیت‌هایی است که فرد آنها را تجربه می‌نماید. عبارات «فقر^۲» و «محرومیت^۳» در ادبیات فقر چندبعدی مترادف یکدیگر نیستند. ممکن است فردی که در یک بُعد مشخص محروم است لزوماً فقیر در نظر گرفته نشود. محرومیت مربوط به هریک از ابعاد است و فقر به صورت کلی و باتوجه به تمام ابعاد تعبیر و تعیین می‌شود (الکایر و همکاران، ۲۰۱۵).

1. Booth & Rownetree
2. Poor
3. Deprivation
4. Alkire et al

۳-۱-۲. رابطه متغیرهای نهادی و فقر چندبعدی

اگرچه فقر پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر است، اما ماهیت آن در طول زمان تغییر کرده است. مجموع تولید کالاها و خدمات، حتی اگر به‌طور مساوی توزیع شده باشد، هنوز برای ایجاد استانداردهای زندگی مناسب برای کل جمعیت ناکافی بوده است. بسته به عواملی مانند زمان (بلندمدت، کوتاه‌مدت و یا دوره‌ای) و توزیع (گسترده، متمرکز یا فردی) می‌توان انواع مختلفی از فقر را متمایز کرد. شیهی^۱ در توجیه رابطه بین متغیرهای نهادی و فقر بیان می‌نماید که دولت رفاه در تأمین کالاهای عمومی، تأمین اجتماعی افراد جامعه، دفاع از مالکیت‌های معنوی و... موفق‌تر است و در مقابل با کاهش قدرت دولت رفاه و افزایش نرخ مالیات‌ها منجر به خروج سرمایه و کاهش رشد اقتصادی و تشدید فقر در جامعه می‌شود. البته باید توجه نمود که فقر چندبعدی متأثر از سطح تحصیلات، میزان وابستگی افراد در مواجهه با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، محل سکونت، نظام سیاسی و حتی فساد جوامع است (ناجیتاما و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

درواقع اثر مستقیم متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی را نمی‌توان نادیده گرفت. البته رابطه بین متغیرهای نهادی و فقر چندبعدی در کشورهای با درآمد کم و متوسط متفاوت است. رابطه بین متغیرهای نهادی و فقر به مرحله توسعه کشورها بستگی دارد. به عبارت دیگر، وجود سطح نامناسب متغیرهای نهادی، اگر منابع عمومی جوامع در جهت رسیدن به کاهش سطح فقر بسیار کم باشد، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. باین حال، کار کمی برای بررسی تجربی و تحلیل رابطه بین متغیرهای نهادی و فقر چندبعدی انجام شده است. (جیندرا و واز^۳، ۲۰۱۹). بهبود سطح متغیرهای نهادی و در پی آن رشد اقتصادی ابزار مهمی برای کاهش فقر چندبعدی است. درواقع باید گفت کیفیت بالای متغیرهای نهادی ابزار مؤثری بر روی فقر چندبعدی است (بالاسوبرامانیان و همکاران^۴، ۲۰۲۱).

نتایج در این زمینه نشان می‌دهد، کشورهایی که به سمت تقویت و بهبود متغیرهای نهادی پیش می‌روند، با سطوح بالاتر صادرات، سهم بالاتری از صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی خود، کنترل بالاتر فساد و در نتیجه از سطح فقر چندبعدی کمتری برخوردارند (سانتوس و همکاران^۵، ۲۰۱۶).

1. Sheehey (2001)
2. Najitama et al
3. Jindra & Vaz
4. Balasubramanian et al
5. Santos et al

۲-۲. پیشینه پژوهش

در زمینه فقر تاکنون پژوهش‌های علمی متعددی در ایران و سایر نقاط جهان ارائه شده است. در این میان بررسی اثرات متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی می‌تواند کمک شایانی در واکاوی این مسئله و رسیدن به راهکارهای مناسب در اصلاح این فرایند در جوامع در حال توسعه داشته باشد. البته باید اذعان کرد مطالعه چندانی در مورد رابطه متغیرهای نهادی و فقر چندبعدی انجام نشده است و متأسفانه در ایران باتوجه به گستره این مقوله علی‌رغم تلاش‌هایی محدود در جهت کاهش آن و از طرفی جنبه‌های مختلف فقر چندبعدی و اثرگذاری آن بر سایر مؤلفه‌های اقتصاد به‌ویژه رشد اقتصادی، پژوهش علمی در این خصوص صورت نگرفته است و از این حیث به‌عنوان جنبه نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود.

فطرس و قدسی (۱۳۹۶)، با مقایسه عملکرد برنامه توسعه ایران با شاخص فقر چندبعدی محاسبه‌شده به روش آلکایر و فوستر، طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای درست برنامه توسعه سبب کاهش فقر چندبعدی شده است.

سالم و یارمحمدی (۱۳۹۷)، به بررسی عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی، با استفاده از رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل و داده‌های سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر دو گروه سطح فردی و سطح نهادی و کلان بر شاخص فقر چندبعدی اثرگذار می‌باشند. در بین متغیرهای سطح فردی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شاخص فقر چندبعدی به ترتیب سال‌های تحصیل سرپرست خانوار، درجه استقلال تعداد اعضای خانوار و درنهایت بُعد خانوار است. در بین متغیرهای کلان، نرخ تورم مهم‌ترین و مؤثرترین متغیر بر شاخص فقر چندبعدی است.

براتی و همکاران (۱۳۹۹) در تحلیل وضعیت فقر چندبعدی در جوامع روستایی ایران با استفاده از داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ در مورد حدود ۲۰ هزار خانوار روستایی، به این نتایج رسیده‌اند که شاخص فقر چندبعدی در ایران حدود ۰/۹۳۴ است که به ترتیب ابعاد آموزشی، سلامت و رفاه بیشترین سهم را در آن داشته‌اند. شاخص‌های شدت و گستردگی فقر نیز به ترتیب ۰/۵۵۸ و ۰/۶۲۸ بوده است. ماهیت فقر در ایران نه تنها از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی، بلکه از عوامل مکانی و اقلیمی نیز متأثر است. در نتیجه، نظر به گستردگی و پیچیدگی روابط بین عوامل تأثیرگذار و متأثر از فقر هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای آن نیازمند نگرشی جامع و نظام‌مند به پدیده فقر است.

مفتخری و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله خود با عنوان بررسی اثرات غیرخطی اندازه دولت بر

فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه با استفاده از روش GMM به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش سطح شاخص اندازه دولت و عبور آن از سطح آستانه ۱۸/۳۳، موجب تشدید فقر چندبعدی در کشورهای هدف شده است.

اتکینسون (۲۰۰۳)، در مقاله خود با عنوان فقر چندبعدی و تضاد رویکردهای شمارشی متغیرهای نهادی بیان می‌دارد که اتخاذ رویکرد چندبعدی به فقر، چالش درک تعامل بین ابعاد مختلف این مقوله را به همراه دارد. او این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ما باید نگران اتحاد همه محرومان حداقل در یک بعد باشیم یا تلاقی محرومان در همه ابعاد؟ رویکرد شمارشی فقر چگونه با رویکردهای مبتنی بر رفاه اجتماعی ارتباط دارد؟ این پژوهش ویژگی‌های کلیدی رویکردهای مختلف را نشان و آنها را در یک چهارچوب مشترک قرار می‌دهد.

سانتوس و همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله خود با عنوان بازبینی رشد و فقر از دیدگاه چندبعدی، طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. نتایج در این زمینه نشان می‌دهد، کشورهایی که به سمت افزایش سطح مطلوب متغیرهای نهادی پیش می‌روند، با سطوح بالاتر صادرات، سهم بالاتری از صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی خود و کنترل بالاتر فساد، فقر چندبعدی کمتری دارند.

بالاسوبرامانیان و همکارانش (۲۰۲۱)، با بیان این پرسش که آیا رشد اقتصادی، فقر چندبعدی را کاهش می‌دهد؟ به عنوان شواهدی از کشورهای کم‌درآمد و متوسط، با استفاده از داده‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که کاهش فقر درآمدی نسبت به رشد، بین پنج تا هشت برابر بیشتر از فقر چندبعدی است. همچنین رشد اقتصادی ابزار مهمی برای کاهش فقر چندبعدی است، اما تأثیر آن به‌طور قابل توجهی کمتر از فقر پولی است.

شیائو و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر فقر چندبعدی بر سلامت خانوارهای روستایی از منظر سرمایه اجتماعی و مراقبت از خانواده با استفاده از داده‌های نظرسنجی ۳۸۲ خانوار روستایی چینی، در سال ۲۰۲۰ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که فقر چندبعدی بر سلامت خانواده‌های روستایی از طریق سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد و مراقبت از خانواده این مسیر را تعدیل می‌کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. طراحی الگوی مدل

روش اقتصادسنجی مورد استفاده روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM^1) است. مدل‌های برآورد شده به روش GMM، به‌درستی امکان ماندگاری را حساب می‌کند و اجازه می‌دهد تا در حیطه این پژوهش مشکلات برازش میزان تأثیرپذیری فقر چندبعدی را در نظر گرفته شود (گالیانو و رومرو، ۲۰۱۷).

از این‌رو الگویی کلی بر اساس هدف تحقیق و بر پایه مبانی نظری طراحی شده است. همچنین مدل مورد استفاده در این مطالعه برگرفته از مقاله جیندرا و واز (۲۰۱۹) می‌باشد.

$$MPI_{it} = \beta_1 MPI_{it-1} + \beta_2 WF_{it} + \beta_3 ControlCO_{it} + \beta_4 Health_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در الگوی فوق شاخص فقر چندبعدی است که برای اولین بار توسط آکایر و فاستر برای ۱۰۹ کشور در جهان محاسبه شد و سپس توسط طرح مبارزه با فقر و توسعه انسانی مؤسسه آکسفورد ($OPHI^2$) و برنامه توسعه سازمان ملل گسترش یافت. شاخص فقر چندبعدی هر ساله توسط مؤسسه OPHI محاسبه و نتایج آن بر روی وب‌سایت رسمی آن منتشر می‌شود. شاخص فقر چندبعدی یک اندازه‌گیری بین‌المللی از فقر حاد است و بیش از ۱۰۰ کشور در حال توسعه به محاسبه این شاخص پرداخته‌اند. برای محاسبه این شاخص از فاکتورهای مختلفی به غیر درآمد، در تعیین فقر استفاده شده است. این شاخص مکمل اندازه‌گیری فقر بر پایه درآمد است زیرا ملاحظات مبتنی بر محرومیت شدید در ابعاد مختلفی همانند آموزش و استانداردهای زندگی را شامل شده است.

وقفه اول شاخص فقر چندبعدی را نشان می‌دهد که به‌منظور بررسی پویایی شاخص فقر چندبعدی در مدل لحاظ شده است، زیرا فقر چندبعدی در سال جاری می‌تواند تابعی از فقر چندبعدی سال گذشته نیز باشد (گالیانو و رومرو، ۲۰۱۷).

به‌عنوان شاخص رفاه اجتماعی، با استفاده از تابع رفاه اجتماعی سن تعریف شده است. رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد؛ بعد حقوقی، شامل قوانین حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، قوانین مربوط به کودکان، نوجوانان و زنان، قوانین کیفری جزائی در مورد بزهکاری، جوانان و آسیب‌های اجتماعی. بعد اجتماعی، شامل مسائلی چون امنیت، مهارت اجتماعی، فراغت، اشتغال، خانواده، آسیب اجتماعی، جمعیت، گروه‌های در معرض

1. Generalized Method of Moments

2. Oxford Poverty and Human Development Initiative

خطر از جمله زنان و کودکان و مشارکت اجتماعی. بعد اقتصادی، شامل بررسی فقر، امنیت، توسعه اقتصادی، اشتغال، مسکن، سیستم پرداخت یارانه‌ای، اقتصاد خیریه‌ای و غیرانتفاعی، عدالت اجتماعی و غیره می‌باشد که هر کدام از این ابعاد می‌تواند محرکی در زمینه کاهش یا افزایش فقر باشد، درواقع زلزله و عدم استاندارد جهانی در هر کدام از ابعاد رفاه اجتماعی می‌تواند سبب تشدید فقر و تبدیل آن به فقر چندبعدی شود. هوپر و اوپردبرنیگ^۱ (۲۰۱۶)، شیف^۲ (۲۰۱۸) و گریرو و همکاران^۳ (۲۰۱۹) به این مقوله پرداخته‌اند.

به‌عنوان متغیر مستقل و شاخص کنترل فساد یکی از متغیرهای بحث‌برانگیز در مطالعات سالیان اخیر است. جلوگیری از سوءاستفاده هر فرد (حقیقی یا حقوقی) از قدرتی که در اختیار دارد برای کسب نفع شخصی را کنترل فساد گویند. کوچک شدن منطقی دولت و کاهش مداخله آن در امور مردم می‌تواند موجب ایجاد بخش خصوصی کارا در جامعه شده و علاوه بر قرار گرفتن متخصصان و نخبگان در جایگاه حقیقی خود، باعث قانونمند و ضابطه‌مند شدن امور کشور و کاهش فساد در جامعه و دولت گردیده که نتیجه آن کاهش فقر خواهد بود (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۵).

به‌عنوان شاخص بهداشت عمومی و از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی کشورهاست. سلامت، خوب بودن فیزیکی، ذهنی و اجتماعی است و بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامتی صرفاً به معنی کمبود بیماری یا ضعف نیست. سلامت محیط، سلامت جامعه، سلامت رفتاری، سلامت اقتصادی، سیاست‌های عمومی، سلامت ذهنی، امنیت شغلی، مسائل جنسیتی در سلامت و سلامت باروری (تولیدمثل) از موارد مهم دیگر در بهداشت عمومی هستند. باید توجه داشت، بهداشت و سلامت همواره به‌عنوان ضرورتی جهت تحقق رشد و توسعه اقتصادی پایدار، ارتقاء سطح زندگی و رفاه افراد جامعه، مورد توجه صاحب‌نظران اقتصادی بوده است. از طرفی نبود و یا پایین بودن سلامت عمومی منجر به استرس شغلی، افت رضایت شغلی و کاهش سلامت در بین عموم جامعه خواهد شد (راه‌نجات و همکاران، ۱۳۹۰). وجود پارامترهای منفی در حوزه سلامت همانند استرس، اضطراب و نگرانی، عدم رضایت شغلی و غیره به سوق دادن نخبگان به سمت جوامعی که شرایط بهتری در این زمینه‌ها داشته و از سطح کمی و کیفی بالاتری در ابعاد مختلف سلامت و در یک‌کلام توسعه‌یافته باشند، کمک می‌کند.

1. Huber & Oberdbernicg (2016)
2. Schiff (2018)
3. Guerreiro et al. (2019)

مطالعه حاضر، پژوهش بین کشوری است، لذا به منظور آزمون فرضیه و بررسی تأثیر متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی از نرم افزار Eviews و تکنیک‌های اقتصادسنجی که مقاطع و دوره‌های زمانی را با همدیگر ترکیب می‌کند، بهره گرفته شده است. همچنین در این مطالعه از برآوردگر پویای روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) که توسط بلوندل و بوند^۱ (۱۹۹۸) پیشنهاد شده، استفاده شده است.

همچنین توصیف آماری متغیرهای مدل در جدول زیر در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۲ ارائه شده است.

جدول ۱. توصیف آماری متغیرهای مدل

نام کشور	میانگین فقر چندبعدی	میانگین رفاه اجتماعی	میانگین کنترل فساد	میانگین بهداشت و سلامت عمومی
الجزایر	۰/۰۰۶۶	۱۵۸/۴۶	۳۲/۶۱	۳/۵۷
بحرین	۰/۰۰۵۴	۳۶۹/۵۸	۶۳/۷۸	۲/۵۴
مصر	۰/۰۲۷	۱۲۲/۰۹	۳۱/۱۵	۱/۵۸
ایران	۰/۰۲۳۲	۳۰۱/۶۳	۳۰/۱۴	۲/۷۱
اردن	۰/۰۰۶۸	۱۷۹/۷۲	۶۲/۲۷	۴/۵۷
کویت	۰/۰۰۴۲	۲۹۱/۵۴	۶۱/۸۰	۲/۶۴
لبنان	۰/۰۰۳۳	۲۳۸/۷۰	۲۱/۶۰	۳/۴۵
مراکش	۰/۰۸۰۳	۱۶۵/۰۶	۴۷/۳۵	۲/۰۱
عمان	۰/۰۰۴۳	۲۵۴/۷۸	۶۷/۷۶	۲/۶۱
پاکستان	۰/۲۸۶۹	۱۴۸/۳۰	۱۸/۷۲	۰/۶۹
عربستان	۰/۰۰۵۱	۴۵۰/۶۲	۵۷/۷۷	۲/۹۴
تونس	۰/۰۷۷۶	۲۳۱/۰۵	۵۴/۸۱	۳/۳۹
ترکیه	۰/۰۱۱۵	۲۵۶/۸۳	۵۴/۳۵	۳/۵۷
امارات	۰/۰۰۳۶	۲۳۵/۸۸	۸۲/۲۰	۲/۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۱) مشخص شده است، در مورد میانگین متغیر فقر چندبعدی بالاترین میزان مربوط به پاکستان (۰/۲۸۶۹) و پایین‌ترین آن مربوط به لبنان (۰/۰۰۳۳) و در خصوص متغیر رفاه اجتماعی بالاترین و پایین‌ترین میزان از آن عربستان (۴۵۰/۶۲) و مصر (۱۲۲/۰۹) است. در مورد میانگین متغیرهای کنترل فساد، امارات (۸۲/۲۰) و پاکستان (۱۸/۷۲) و بهداشت و سلامت عمومی، اردن (۴/۵۷) و پاکستان (۰/۶۹)، از بالاترین و پایین‌ترین سطح برخوردار هستند.

۴. یافته‌های پژوهش

برای تبیین دقیق‌تر، به تجزیه و تحلیل تخمین ضرایب متغیرهای مورد مطالعه پرداخته می‌شود که نتایج برآورد مدل در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج برآورد الگوی کشورهای در حال توسعه

متغیر	ضرایب	P-Value
وقفه اول فقر چندبعدی	۰/۵۷۲۷۷۹	۰/۰۰۰۰
رفاه اجتماعی	-۲/۷۱۲۳	۰/۰۰۰۰
کنترل فساد	-۰/۲۲۵۶	۰/۰۰۰۰
بهداشت و سلامت عمومی	-۷/۲۸۴۱	۰/۰۰۰۰
آزمون سارگان (J- STATISTIC)	۸/۶۳۱۲۲۶	۰/۵۶

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که جدول نتایج تخمین نشان می‌دهد علامت ضرایب حاکی از آن است که انتظارات تئوریک مبنی بر چگونگی تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (فقر چندبعدی) مورد تأیید قرار گرفته است.

وقفه اول فقر چندبعدی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر فقر چندبعدی داشته است. به عبارت دیگر وجود یک ارتباط فراگیر و گسترده در صورت عدم کاهش فقر چندبعدی در سال‌های متوالی و انتقال اثرات آن به سال‌های آتی که موجب تشدید این نوع فقر می‌شود، کاملاً مشهود به نظر می‌رسد. بالا بودن ضریب اثرگذاری این متغیر در مدل، نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه این عامل است.

شاخص رفاه اجتماعی تأثیری منفی و معنی‌دار بر فقر چندبعدی داشته است. از آنجا که شاخص رفاه اجتماعی تأثیری منفی و معنی‌دار بر فقر چندبعدی داشته، با افزایش سطح شاخص رفاه اجتماعی، کاهش فقر چندبعدی در کشورهای مورد مطالعه را شاهد خواهیم بود. به عبارت دیگر در صورت بالاتر رفتن سطح شاخص رفاه اجتماعی، روند فقر چندبعدی کاهش می‌یابد که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت تأثیرگذاری رفاه اجتماعی بر روی فقر چندبعدی در یک کشور است. لذا هرچقدر سطح شاخص رفاه اجتماعی کمتر، شدت فقر چندبعدی در این جوامع بیشتر و برعکس، هرچقدر سطح شاخص رفاه اجتماعی بیشتر، شدت فقر چندبعدی کمتر است. هوپر و اوبرداینر (۲۰۱۶)، شیف (۲۰۱۸) و گریرو و همکاران (۲۰۱۹) هم در مطالعه تجربی خود این موضوع را بررسی نموده‌اند که با نتایج تحقیق حاضر سازگار است. رفاه اجتماعی در صدر تعریف رفاه کل جامعه به صورت تابعی از تخصیص منابع جامعه قرار دارد. در اهمیت رفاه و تأمین اجتماعی گفته شده است که آن هدف توسعه نیست بلکه خود توسعه محسوب می‌شود؛ یعنی دولت و جامعه‌ای را می‌توانیم توسعه یافته بدانیم که سطح حداقل (متناسب) زندگی را از جهات مسکن، آموزش، تغذیه، بهداشت و درمان برای یکایک آحاد و ساکنانش فراهم کرده باشد. وجود چنین سطحی از رفاه، منعکس‌کننده کیفیت نهادی کشور مبدأ می‌باشد و بالا بودن کیفیت نهادی و تضمین نهادهایی همچون حقوق مالکیت مادی و معنوی، حق اختراع، پیگیری حقوق شهروندی و سایر نهادها می‌تواند موجب تقویت فضای کسب و کار در کشورهای مذکور شود و لذا خود عاملی در جهت کاهش فقر چندبعدی در جوامع هدف می‌شود.

کنترل فساد تأثیری منفی و معنی‌دار بر فقر چندبعدی داشته است. با توجه به ضرایب به دست آمده، نقش کنترل فساد در کاهش فقر چندبعدی مشهود است. فساد به مثابه نیرویی است که به عملکرد مناسب بازارها آسیب رسانده و سیستم بازار را مختل می‌نماید و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی و تشدید فقر را فراهم می‌آورد. عواملی چون کیفیت بد قوانین و مقررات، دیوان سالاری ناکارآمد، ناکارایی نظام قضایی، فقدان حاکمیت قانون و ... عوامل فسادزا هستند که عمده‌تاً در کشورهای توسعه نیافته شایع است. فساد در جنبه‌های مختلف سبب هدایت غیر بهینه منابع جوامع و افزایش رانت‌جویی شده که خود عامل بروز فقر چندبعدی است. از این رو کنترل فساد در هر جامعه‌ای باعث ایجاد شرایطی با ثبات (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) جهت جلوگیری از بروز یا تشدید فقر چندبعدی می‌شود.

بهداشت و سلامت عمومی، تأثیری منفی و معنی‌دار بر فقر چندبعدی داشته است. در مورد این عامل و اثرگذاری آن بر کاهش فقر چندبعدی می‌توان گفت که بهداشت عمومی

برای رشد کیفیت زندگی از طریق جلوگیری و درمان بیماری شامل نظارت بر مشکلات و شاخص‌های سلامت و همچنین ارتقاء رفتارهای سلامت‌محور تعریف می‌شود. یک تفاوت بزرگ میان ملل توسعه‌یافته و ملل در حال توسعه از لحاظ دستیابی به نوآوری‌های بهداشت عمومی و مراقبت از سلامت مدنظر است. در جهان در حال توسعه، زیرساخت‌های بهداشت عمومی از مؤلفه‌های مهم محسوب می‌شود. پایین بودن سطح بهداشت عمومی منجر به تبعیض، فقر و عقب‌ماندگی تحصیلی در جامعه خواهد شد. در واقع عمده‌ترین شاه‌راه تأمین و تضمین توسعه پایدار جوامع بشری برقراری کیفی سلامت افراد جامعه است. لذا رسالت و وظیفه اصلی بهداشت عمومی، استقرار تندرستی جامع و فراگیر و با کیفیت تک تک افراد جامعه است. جامعه‌ای که در چنین شرایطی باشد، حرکت به سمت رشد اقتصادی را با سهولت طی خواهد نمود. بهداشت عمومی در جنبه‌های مختلف باعث ایجاد شرایطی با ثبات (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) شده که سبب جلوگیری از تشدید فقر در جامعه می‌شود.

در تخمین مدل برای بررسی بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده شده است. آزمون سارگان برای اعتبارسنجی متغیرهای ابزاری، نشان‌دهنده عدم همبستگی متغیرهای ابزاری با جزء خطای مدل است لذا متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل معتبر است. در واقع می‌توان گفت در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال است. مقدار احتمال آماره آزمون سارگان زمانی که مدل با داده‌های کشورهای در حال توسعه تخمین زده شده، برابر ۰/۵۶ است. نتیجه اینکه فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت ابزارهای مورد استفاده برای تخمین مدل در کشورهای در حال توسعه از اعتبار لازم برخوردار است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

شاخص فقر چندبعدی نشان‌دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند و در واقع باید گفت فقر موضوعی چندبعدی است و لزوماً ناشی از کمبود درآمد نیست. این نگرش که برگرفته از اندیشه‌های آمارتیاسن^۱ بوده، فقر را با رویکرد نبود دسترسی به قابلیت‌ها و کارکردهای اجتماعی تحلیل می‌کند. به بیان دیگر، این رویکرد زمینه و گستره‌ای را فراهم می‌کند که مبتنی بر آن فقر چندبعدی بر مبنای دسترسی نداشتن به مؤلفه‌های ضروری زندگی تعریف می‌شود. ریشه‌کنی فقر

شدید در جامعه نیازمند برنامه‌ریزی‌های مدبرانه و دقیق به‌ویژه در زیرشاخص‌هایی که دارای تعداد افراد محروم بیشتری هستند، می‌باشد. در این پژوهش اثرات متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفت. باید خاطر نشان ساخت در کشورهای در حال توسعه به تأثیر متغیرهای نهادی بر فقر چندبعدی علی‌رغم اهمیت آن پرداخته نشده است. لذا ضروری است به بررسی تأثیرات آن بر این مؤلفه مهم پرداخته شود. به دلیل خلأ موجود در مطالعات قبلی که تاکنون به بررسی تأثیر عوامل متعدد بر فقر چندبعدی پرداخته‌اند، در این مطالعه سعی در شناخت تأثیر این متغیرها بر فقر چندبعدی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۲۲ انجام گرفته است. بدین منظور از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است. یافته‌های مطالعه و نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد، هرکدام از متغیرهای موجود در این پژوهش تأثیری متفاوت بر فقر چندبعدی در جوامع در حال توسعه دارد که برخی سبب کاهش و برخی سبب تشدید آن می‌شود. وقفه اول فقر چندبعدی به دلایلی که گفته شد اثری مثبت بر فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه داشته و کنترل فساد، بهداشت و سلامت عمومی و رفاه اجتماعی، اثری منفی بر فقر چندبعدی داشته است.

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود تصمیم‌گیران در کشورهای در حال توسعه، در اعمال سیاست‌ها و وضع قوانین خود و دفاع از طرح‌های حمایتی کارآفرینان و ایجاد بستر رشد و پیشرفت برای ظرفیت‌های گسترده کشور مبتنی بر نظامی شایسته‌سالار و لیاقت محور توجه بیشتری نمایند. بررسی وضعیت این کشورها در این شاخص و ارائه راهکارهای علمی و عملی به تصمیم‌سازان اقتصادی و سیاست‌گذاران جهت بهبود در این زمینه کمک خواهد نمود. اجرا و پیاده‌سازی رفاه اجتماعی به منظور کاهش فقر چندبعدی به مصادیقی همچون آموزش همگانی، بهبود و دسترسی به بهداشت عمومی و ایجاد اشتغال و خدمات شغلی از مهم‌ترین عوامل این مقوله در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌آید. از دیگر موارد می‌توان به توجه ویژه به مسائل اقتصادی جوامع هدف، گسترش روحیه نشاط و امید، همکاری بین‌بخشی جهت ارتقاء سطح دانش، آینده‌پژوهی، حذف ساختارهای موازی و ناکارآمد در حوزه پژوهش و تحقیق، توجه به ظرفیت مراکز آموزشی و دانشگاهی، تربیت نیروی متخصص و حفظ آنها، حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و مطالبه‌گری اجتماعی در سطوح مختلف دانشگاهی، کاهش فشار روانی محیط‌های دانشگاهی و کاری، استفاده از ظرفیت رسانه‌های همگانی به منظور بالا بردن فرهنگ توجه به ظرفیت‌های نخبگانی جامعه، نظم و احساس امنیت اجتماعی، توجه به اوقات فراغت و آرامش فکری و روانی نخبگان،

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جهت بالا بردن سطح دانش نیروی‌های متخصص، اشتغال پایدار و توانمندسازی تعاملی در سطح بین‌الملل و پوشش بیمه‌ای مناسب جهت جامعه متخصص و نخبگان اشاره نمود. همچنین باتوجه‌به تأثیر رفاه اجتماعی، کنترل فساد و بهداشت و سلامت عمومی بر کاهش فقر چندبعدی، اصلاحات نهادی لازم برای بهبود امنیت اجتماعی، تضمین رقابت، ارتقای شفافیت، بهبود عوامل تقویت ثبات سیاسی و افزایش سطح سلامت عمومی در حوزه فعالیت‌های مختلف پیشنهاد می‌شود. از دیگر موارد می‌توان به توجه ویژه به مسائل اقتصادی اقشار مختلف جوامع هدف، همکاری بین‌بخشی جهت ارتقاء سطح دانش، تربیت نیروی متخصص و حفظ آنها، حمایت اجتماعی، اشتغال پایدار اشاره نمود. همچنین باتوجه‌به تأثیر کنترل فساد و بهداشت و سلامت عمومی بر کاهش فقر چندبعدی، اصلاحات نهادی لازم برای بهبود امنیت اجتماعی و ارتقاء شفافیت و بهبود عوامل کنترل‌کننده فساد و همچنین افزایش سطح سلامت عمومی در حوزه‌های مختلف پیشنهاد می‌شود.

منابع

- براتی، علی‌اکبر، مرادی، مصطفی، ژولیده، میلاد و سهرابی ملایوسف، عیدیه. (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت فقر چندبعدی در جوامع روستایی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱۱۲(۱)، ۶۱-۴۴.
- جعفری، سمیه، مومنی، فرشاد، شاکری، عباس و راغفر، حسین. (۱۴۰۰). ارزیابی فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران به‌عنوان شاخصی از توسعه عادلانه، نشریه علمی سیاستگذاری اقتصادی، ۱۳(۲۶)، ۳۱۵-۳۳۷.
- سالم، علی‌اصغر و عرب یارمحمدی، جواد. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پِنل، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۸۷(۲۶)، ۴۶-۷.
- سالم، علی‌اصغر، ابونوری، اسمعیل و عرب یارمحمدی، جواد. (۱۳۹۷). رویکرد چندبعدی به اندازه‌گیری فقر؛ مفاهیم نظری و شواهد تجربی از اقتصاد ایران در طول سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۷۰، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸(۶۸)، ۴۱-۹.
- عربی، مصطفی و خداپرست مشهدی، مهدی. (۱۳۹۳). مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشور طی سال‌های، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۱(۲)، ۵۰-۳۵.
- فطرس، محمد حسن و قدسی، سوده. (۱۳۹۳). روش آکایر و فوستر برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی، مجله اقتصادی، ۱۴(۱۱، ۱۲)، ۹۲-۷۷.
- فطرس، محمد حسن و قدسی، سوده. (۱۳۹۶). مقایسه عملکرد برنامه‌های توسعه ایران با شاخص فقر چندبعدی محاسبه شده به روش آکایر و فوستر، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۷(۲۷)، ۴۴-۴۵.

- لطیفی، غلامرضا، قره‌باغی، حمید، حاج‌علی‌اکبری، فیروزه و شامی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی از دیدگاه مردم. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸ (۳۱)، ۱-۲۴.
- مفتخری، علی، جعفری، محمد، اسمعیل، ابونوری و یونس، نادمی. (۱۴۰۰). تأثیر متغیرهای نهادی بر فرار مغزها در کشورهای درحال توسعه (مطالعه موردی کشورهای منطقه منا)، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۱ (۸۳)، ۳۵۰-۳۰۹.
- مفتخری، علی، جعفری، محمد و دلفان، محبوبه. (۱۴۰۲). بررسی اثرات غیرخطی اندازه دولت بر فقر چندبعدی در کشورهای درحال توسعه (رهیافتی از روش GMM)، فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصاد کلان، ۱۸ (۳۸)، ۱۰۳-۱۳۰.
- Alkire, S., Roche, J.M., Ballon, P., Foster, J., Santos, M.E. & Seth, S. (2015). Multidimensional Poverty Measurement and Analysis. *World Development*, 59, 251-274.
- Atkinson, A. B. (2003). Multidimensional deprivation: contrasting social welfare and counting approaches, *Journal of Economic Inequality*, 1, 51-65.
- Balasubramanian, P., Burchi, F., & Malerba, D. (2022). Does economic growth reduce multidimensional poverty? Evidence from low and middle-income countries, *World Development*, 161(12), 106-119.
- Galiano, A., & Romero, J. G. (2017). Brain drain and income distribution. *Journal of Economics*, 124(3), 243-267.
- Jindra, C., & Vaz, A. (2019). Good governance and multidimensional poverty: A comparative analysis of 71 countries, *Economic and Social Research Council (Governance)*, 32, 657-675.
- Najitama, E., Maski, G., & Manzilati, A. (2020). Analysis of multidimensional poverty dynamics in Indonesia: The effect of demographic and institutional factors, *Journal of Innovation in Business and Economics*, 4(2), 87-96.
- Nyasha, S., & Odhiambo, N. M. (2019). Government Size and Economic Growth: A Review of International Literature, *the SAGE and Open Access pages* (<https://us.sagepub.com/en-us/nam/open-access-at-sage>), 1-12.
- Ortega, F. (2009). Immigration, Citizenship, and the Size of Government. *Forschungsinstitut zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor Universitat Pompeu Fabra and IZA*, IZA Discussion Paper No. 4528, 1-33.
- Reeves, R., Rodrigue, E., & Kneebone, E. (2016). Five Evils: Multidimensional Poverty and Race in America, *Economic Studies at Brookings (The Brookings Institution)*, 1-22.
- Rimoldi, S.M.L., Arcagni, A., Fattore, M., & Belgiojoso, E.B. (2020). Targeting Policies for Multidimensional Poverty and Social Fragility Relief Among Migrants in Italy, Using Fified Analysis, *Social Indicators Research*, 157, 57-75.
- Santos, M. E., Dabus, C., & Delbianco, F. (2016). Growth and Poverty Revisited from a Multidimensional Perspective, *OPHI Working Paper 105*, University of Oxford, 1-33.
- Xiao, H., Liang, X., Chen, C., & Xie, F. (2022). The Impact of Multidimensional Poverty on Rural Households' Health: From a Perspective of Social Capital and Family Care, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19, 14590.